

ماجرای مهمان خانه های ارض اقدس

- در دوره قاجار، مشهد هتل یا مهمانسرا نداشت

در دوره قاجار، سرراه مهم ترین اماکن اقامتی مشهد بودند که زائران در آن ها ساکن می شدند. وقتی هانری رنه دالمانی، سیاح و تاریخ نگار فرانسوی، در زمان انقلاب مشروطه به مشهد می آید، متوجه می شود مشهد هتلی ندارد که او بخواهد در آنجا سکناگزینند، به همین دلیل رحل اقامتش را در یک شرکت حمل و نقل روسی پهن می کند، البته اسناد نشان می دهد که در همین دوره، برخی مسافران و زائران در سراها اقامت می کرده اند، بنابراین پیش از شکل گیری مهمان خانه ها و هتل ها، سراهای تجاری و زواری، نقش مهمی در تأمین اقامتگاه زائران داشته اند، سراهایی که تا اواسط دوره رضاشاه همچنان فعال بودند. از جمله این سراها می توان به سرای خرازی در کوچه علی خان، سرای زنبورکچی ها، سرای سیدمحسن و همچنین سرای سعادت در پایین خیابان اشاره کرد. برخی سراها نیز صرفا زواری بودند، مانند سرای عبدا... خان در دالان جواهری ها و سرای حاج امین در کوچه سیاه آب و سرای شیخ فیض محمد در کوچه ارگ.

در این کاروان سراها هیچ گونه اسباب زندگی وجود نداشته است، آن چنان که کف اتاق ها را تنها با یک تکه گلیم می پوشانند و مسافران مجبور بودند تمام وسایل زندگی و حتی وسایل آشپزی خود را همراهشان بیاورند. جست وجود میان مطبوعات خراسان آن زمان، نیز فقط ردوشان مهمانسرای رضوی را برای ما هویدا می کند تا خیالمان راحت باشد که این شهر تا او اخر دوره قاجار، هیچ مهمان پذیر درست و درمائی نداشت است.

- سراهای وقفی؛ راهی برای اسکان زائران

برخی اسناد هم نشان می دهند بعضی سراها منازل که زائران را اسکان می داده اند، وقفی بوده اند. در واقع فعالان اقتصادی این حوزه سراهای موقوفه را اجاره می کردند و برخی نیز سراها و منازل را رایگان یا با کمترین هزینه در اختیار مسافران می گذاشتند، برای نمونه حاج میرزا احمد بخارایی یک منزل در محله مصطفی بیک مشهد را برای زائران و مسافران بخارایی وقف کرده بود که به زوارخانه بخارایی معروف شد، او البته در صورتی که زائر بخارایی محتاج در شهر نبود و منزلش، گنجایش پذیرش مسافر را داشت، اجازه می داد مسافران غیر بخارایی هم از امکانی که فراهم کرده بود، بهره مند شوند.

این موقوفه در سال ۱۳۵۴ خورشیدی به قماش فروشان مشهد اجاره داده شد. سمرقندی ها نیز موقوفه ای مخصوص زوار داشتند. حاجی بابایک سمرقندی یک باب منزل در کوچه تیغ بندی ها متصل به بست خیابان سقلی را در سال ۱۳۴۴ قمری برای زوار سمرقندی و بخارایی وقف کرد، البته اولویت با زائران سمرقندی بود و زائران بخارایی در مرتبه بعدی قرار می گرفتند. این روال در دوره پهلوی نیز ادامه پیدا کرد و اماکن وقفی به یکی از گزینه های اسکان زائران تبدیل شدند، مثلا حاج شیخ احمد شاهرودی در سال ۱۳۳۶ خورشیدی یک خانه را به سکونت زوار شاهرودی اختصاص داد و حاج اسماعیل سرابیان در سال ۱۳۵۶ خورشیدی یک منزل در کوچه نو مشهد برای زوار کرمانشاهی وقف کرد. در سال های پس از انقلاب اسلامی نیز این روال ادامه یافت و بسیاری از هیئات مذهبی به ساخت حسینیه اقامتی در مشهد و آوردن و اکنون در اطراف حرم مطهر رضوی تعداد زیادی از این اقامتگاه ها سقف و ستون خوده اند که به زائران یک شهر، یک قشر یا پیشه خاص، اختصاص دارند. در واقع اماکن وقفی هنوز هم بار اقامت تعداد زیادی از زائران مشهد را به دوش خود می کشند.

- هتل ها پیش از مهمان پذیرها به مشهد آمدند

اگر نخواهیم میان واژه مهمان پذیر و هتل در گذشته تمایزی قائل شویم (زیرا در آن زمان دسته بندی درستی برای این اماکن وجود نداشت) باید هتل طوس را یکی از نخستین اماکن اقامتی مدرن مشهد بدانیم. در کتاب «فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی» به حضور دوزن و یک مرد روس اشاره می شود که از عشق آباد وارد مشهد شده و در هتل طوس اقامت گزیده اند. میرزا علی اکبر، صاحب هتل طوس بوده است. او مدتی به عشق آباد رفته و دو مهر سال ۱۳۰۱ به مشهد بازگشته است، البته این هتل با مهمان خانه طوس که در سال ۱۳۲۰ افتتاح شد، تفاوت دارد. گراند هتل یکی دیگر از نخستین اماکن اقامتی مشهد در خیابان ارگ است. مالک این هتل در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۰ خورشیدی اعلام می کند

سیده نعیمه زینبی) بیمار و تابستان، فصل سفر است و مشهد هم که همواره یکی از مقاصد سفر بوده، همیشه آمار مسافران ش نسبت به دو فصل دیگر بیشتر بوده است؛ مسافرانی که نخستین نیازشان در این دیار، اسکان و یافتن جا و مکان مناسب برای اقامت چند روزه است. همین موضوع هم سبب شد به سراغ تاریخ ساخت مهمان پذیرها در مشهد برویم و از این تاریخ کمتر گفته شده در شهر بگویم. اگر بخواهیم به تاریخچه مهمان پذیرها و زائرسراها در مشهد بپردازیم، ناگزیریم به سراغ مهمانسرای رضوی برویم. در میان اخبار و اسناد، این مهمانسرا نخستین محلی بوده که در این شهر به زائران، اختصاص پیدا کرده است. اما اگر از این مکان که درباره آن زیاد گفته شده است، گذر کنیم و آن را کنار بگذاریم، مشهد سال ها از داشتن اماکن اقامتی محروم بوده است. با تسهیل راه های ارتباطی و افزایش مسافران ارض اقدس، ساخت زائرسراها و مهمان پذیرها به یک اقدام ناگزیر تبدیل شد و راهی برای درآمدزایی همشهری هایمان گشوده شد.



مهمانخانه طوس



مهمانخانه باختر، مشهد، دوره پهلوی اول



نمایی از چهار طبقه خیابان خسروی

که به خاطر بدهی، این اقامتگاه را به استاد غلامعلی خوراکبز فروخته است. این هتل تادی ۱۳۱۲ خورشیدی فعال بوده است.

هتل روزا یکی دیگر از هتل های قدیمی شهر به شمار می رود، هتلی که جلوی باغ ملی و در حاشیه خیابان پهلوی قرار داشته است. این هتل، پنج اتاق فرش شده با میز و صندلی و تخت خواب های تمیز داشته و نظافت در آن، بسیار مهم بوده است، آن چنان که در آن دوره لباس مسافران شسته می شده، ولی گویا بدون حمام بوده است. همچنین این هتل، غذاهای ایرانی و اروپایی سرو می کرده و تغییر و تبدیل آن بسته به دستور و میل میهمان ها

یک لهستانی میان نیروهای جنگل

زمان، یک لهستانی نیز در میان نیروهای جنگل بوده است. این ادعا برابر سندی که از سال ۱۳۰۱ خورشیدی باقی مانده است، ثابت می شود. این سند، نامه ای است که مدیرالدوله به وزارت جنگ نوشته است و در آن وزارت داخله از وزیر جنگ درخواست کرده است شهروند لهستانی زندانی در نظمیه گیلان را محاکمه و در صورت بی گناهی آزاد کند. این نامه پس از ادعای سفارت فرانسه درباره بی گناهی شهروند لهستانی و استخدام اجباری وی در گروه میرزا کوچک خان، ارسال شده است. در متن نامه آمده است: «از سفارت فرانسه به وزارت امور خارجه اشعار شده است که ژرف...، تبعه لهستانی، جبرادر جزو دسته جات میرزا کوچک در رشت استخدام می شود. مدتی است در نظمیه گیلان توقیف گردیده و تقاضای استخلاص اورا دارند. مقتضی است به حکومت گیلان مقرر فرمایند مشارالیه را محاکمه و در صورت عدم تقصیر، مستخلص سازند و نتیجه به اطلاع وزارت جلیله سفارت داده شود».

نخستین مسافرخانه ها در دوره پهلوی اول اندک اندک مسافر خانه ها هم به جمع اماکن اقامتی مشهد اضافه می شوند، جایی با امکانات کمتر از هتل و البته ارزان تر از آن که اقبال مختلف مردم می توانستند در آن اقامت کنند. تا اواسط دوره پهلوی اول، تعداد مسافر خانه های مشهد به ۲۳ باب رسید. مسافر خانه حسینی، زیارتی، محمد تشکری، حاجی سید کاظم، هادی، حاجی سید حبیب، ملا غلامحسین تبتی، باشی زاده، صفوی، شاهسوار، اسلامی، مشهد غلام رشتی، صدیق، اکبر آقا، خلخال، گیلانی، حاجی اسماعیل، اطمینان، ذاکر زاده، زنجانی، سبزواری، خلقی، محمد آقا، خادم الرضا، ملک زاده، مشهدی علی، میرزا هادی، شعاع فیروز، عاملی، باقریان، تودرباری، غیوری و رشت در این فهرست جای داشتند. اغلب این میهمان پذیرها در کوچه پس کوچه های اطراف حرم بودند. موضوع درجه بندی مسافر خانه های مشهد نیز در همین سال ها که تعداد آن ها روبه فزونی بود، مطرح شد. سال ۱۳۱۶ نخستین درجه بندی این اماکن اقامتی رخ داد. ملاک درجه بندی آن ها، داشتن امکانات نبود، بلکه بر اساس تعداد اتاق ها برای دریافت عوارض بود. انجمن شهر مشهد در ۲۴ آبان ۱۳۱۶ خورشیدی، مسافر خانه های مشهد را به تناسب تعداد اتاق ها به دو درجه تقسیم کرد؛ مسافر خانه هایی که دو تا هفت اتاق داشتند، درجه ۱ و مسافر خانه هایی که بیش از هشت اتاق داشتند، درجه یک بودند. این درجه بندی خیلی زود به در خواست مهمان پذیر تغییر کرد. همچنین باید گفت تعداد این ساختمان ها برای اسکان به اندازه و رودی مسافران شهر نبود و بیشتر آن ها سروشکل مهمان خانه و امکانات کافی نداشتند و بسیاری شان نیز خیلی زود تعطیل شدند، به همین دلیل آمار ی که از آن زمان به جای مانده است، متناقض است.

- مشهد، مهمان خانه آبرومند نداشت

در ۲۴ مرداد سال ۱۳۱۷ خورشیدی، احمد فریدونی از طرف وزارت کشور به رئیس وزرا گزارش می دهد که در شهر مشهد بیش از دو مهمان خانه وجود ندارد که وضعیت آن ها نیز نابسامان است. اکنون نمی دانیم فریدونی بر چه اساسی فقط دو مکان اقامتی را در مشهد گزارش می کند، چون در آن سال ها هتل پاریس، هتل پارس، هتل باختر و هتل شرق تأسیس شد و در سال ۱۳۱۷ این اماکن در مشهد فعالیت می کردند، البته باید بدانید بر طبق اسناد، دخل و خرج میهمان پذیرهای مشهد با هم نمی خوانند و همین موضوع باعث می شود استقبالی از راه اندازی اماکن اقامتی نشود. در نامه ای که استاندار خراسان ۲۶ فروردین ۱۳۲۰ خورشیدی به وزارت کشور می نویسد، اعلام می کند: «در شهر مشهد، مهمانخانه آبرومندی که نیازمندی واردین و مسافرین برجسته را مرتفع نماید، به جز مهمان خانه باختر نیست». این مهمان خانه رانیز عطایی برای فاق و آسایش اهالی ساخت. مهرماه سال ۱۳۱۵ خورشیدی روزنامه آفتاب شرق از ساخت و بهره برداری آن خبر می دهد. هتل پاریس، یکی دیگر از هتل های مشهور مشهد در اواسط دوره رضاشاه بود و تعاریف آن را می توانیم در جراید و روزنامه های آن زمان ببینیم. این هتل در «چهار طبقه ای که اکنون می شناسیم و اثری از آن باقی نمانده است، تأسیس شد. هتل پارس در محل قبلی هتل پاریس، از سال ۱۳۱۳ خورشیدی به جمع میهمان پذیرهای مشهد افزوده شد تا پذیرای میهمانان هزاره فردوسی باشد. این هتل نیز از شهر یور سال ۱۳۲۰ از عمارت چهار طبقه به ساختمان حاجی ابراهیم اف، روبه روی باغ ملی و جایی که اکنون قرار دارد، منتقل شد. در این زمان البته مسافر خانه های متعدد اما کوچکی در مشهد فعالیت می کردند. نام برخی از این مسافر خانه ها را می توان از فهرست درخواست کنندگان سیم کشی برق از اداره برق مشهد، استخراج کرد. مسافر خانه ابراهیم گرمردیان در فلکه جنوبی، مسافر خانه سیدالوقاسم مشکوه مستولان و اعیان و اشراف به آنجا می رفتند و در اتاق های مدرنش اقامت می کردند. در این زمان، تعدادی پانسیون هم بوده است. پانسیون «مادام لماند» در خیابان پهلوی را باید یکی از نخستین پانسیون های مشهد بدانیم که البته آن هم جایی برای مردم معمولی که از شهرها و روستاهای دور قدم به خاک مشهد می گذاشتند، نداشت و اقامت مردم در این شهر، همچنان مسئله ای بزرگ و بدون راه حل بود.

منابع:

«تاریخ اقتصادی مشهد»، تألیف علی نجف زاده.

اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

اسناد موجود در سازمان اسناد شهرداری مشهد.

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صدوسی و ششم) سرگذشت شکل گرفتن مدارس علمیه مشهد (بخش هفتم)



مرضیه ترابی ادر قسمت پیش، تاریخ شکل گرفتن مدارس علمیه در شهر مشهد را، تا ابتدای دوره تیموری پی گرفتیم. گفتیم که هجوم تیمورلنگ به فلات ایران، آغاز مصیبتی دوباره برای مردم این خطه بود و اسباب ویرانی و کشتار گسترده و هولناکی شد. در آن شرایط، عملا توسعه عمرانی، درهمه بخش ها و از جمله مدارس علمیه متوقف ماند. گزارش مورخانی مانند «ابن عرشاه»، خالق کتاب خواندنی «عجائب المقدور فی نوابغ تیمور»، که در عصر تیمورلنگ می زیست، نشان می دهد که آن جهانگشای خون ریز، تنها به ساخت و توسعه پایتخت خودش، یعنی شهر سمرقند، می اندیشید و این کار را به قیمت ویران کردن دیگر بلاد انجام می داد و به آبادانی سایر شهرها، حتی در خراسان، اهتمام چندانی نداشت. اما با مرگ تیمورلنگ در سال ۸۰۷ قمری، جانشین وی، شاه رخ، مثنی و روش متفاوتی را در پیش گرفت. او که اهل هنر بود و به علم و عالم احترام می گذاشت، به تدریج هرات، پایتخت آن روزگار ایران، را به شهر علم و هنر تبدیل کرد. به این ترتیب، اصحاب دانش و فرهنگ از سراسر نقاط ایران به این شهر رفتند و در حمایت از شاه رخ تیموری، روی خوش روزگار را هم دیدند. این دوره تاریخی، مصادف با رونق گرفتن اندیشه های شیعی در فلات ایران بود. در آثار تاریخی مشهد امروزی، می توان شواهد مربوط به این موضوع را یافت، به عنوان نمونه می توان از کتیبه های موجود بر روی کاشی های فضای داخلی «مسجد ۷۲ تن» (مسجد شاه، مزار غیاث الدین ملک شاه در بازار فرش مشهد) یاد کرد که در آن ها، مناجات امیرالمؤمنین^(ع) به تمامی نقش بسته است. در این دوره از تاریخ مشهد، رونق عمرانی بسیار گسترده ای پدیدار شد. گوهرشاد خاتون، همسر واقف و خیراندیش شاه رخ که دلبستگی فراوانی به بارگاه منور رضوی داشت، سنگ بنای نخستین آبرپروژه عمرانی را در مشهد گذاشت و مسجد بزرگ و ممتاز گوهرشاد، با حمایت وی و معماری کم نقص قوام الدین بن زین الدین شیرازی، طی نه سال ساخته شد و به بهره برداری رسید. ساخت این بنای معظم، تأثیری ویژه بر گسترش فضا های دینی و معنوی گذاشت. علاوه بر ایجاد مساجد، به ساخت مدارس علمیه نیز توجه شد. تاجایی که می دانیم، فضای شمالی صحن عتیق امروزی، محل ساخت تعداد درخورتجهی مدرسه علمیه بود که عمومابه مذاهب غیرشیعه تعلق داشتند. این نکته را می توان از اشارات «ذوالفقارخان مهندس» در نقشه ای که وی در دوره قاجار طراحی کرده است، دریافت. علاوه بر این مدارس، دو مدرسه علمیه شاخص نیز، در راسته بازار مشهد ساخته شد که تا امروز دوام آورده است: نخست مدرسه «دودره» یا «خواجه یوسف» یا «یوسفیه» و دوم، «مدرسه پریزاد». چنین شهرت دارد که پریزاد، بانی مدرسه دوم، از نوادگان خواجه ربیع بوده و مدرسه را با استفاده از تتمه مصالح ساختمانی مسجد گوهرشاد بنا کرده است. درباره پریزاد و شخصیت او، یادداشتی تفصیلی را در ستون شهدیات انتشار داده ام که علاقه مندان می توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر به آن رجوع کنند. قدر مسلم این است که احداث مدرسه پریزاد، بخشی از روند روبه رشد تأسیس مدارس علمیه در شهر مشهد بود؛ اتفاقی که هم زمان با رسمیت یافتن کرسی های تدریس در حرم رضوی، می توانست اسباب توسعه فضا های آموزشی بیشتر و البته آمدن طلاب علوم دینی به مشهد را فراهم کند؛ اتفاقی که آثار آن در دوره های بعد، بیشتر به چشم آمد.

ادامه دارد....

روایت احتکار یک کالا در میانه جنگ جهانی دوم

کبریت وطنی؛ از ۳ شاهی تا ۱۰ شاهی

شیرین سیدی ا مشهدی های گرفتار در میانه جنگ جهانی دوم، مردمی درآمده بودند که به ناچار باید هر روز برای بقای خود و عزیزانشان با مشکلی دست و پنجه نرم می کردند. بزرگ ترین این مشکلات، معیشت بود؛ سیر کردن شکم خودشان و چند سرعائله آن هم در زمان فحطی و بیکاری، دردی بود که انگار هرگز نمی خواست درمان شود. بدتر اینکه در این میانه، همیشه بودند افراد سرمایه دار و نیمه تمولی که برای دو قران سود بیشتر، یا می گذاشتند روی گلوی این مردم بینوا و با احتکار مواد غذایی و کالاهای مورد نیاز، وضع را از آنچه بود، بدتر می کردند. اخبار مطبوعات دوران جنگ جهانی دوم، لبریز است از این دست خبرها؛ یک روز روغن گران می شود و فردایش گوشت، اما در یکی از احتکارهای عجیب آن زمان که روزنامه آزادی در بهار ۱۳۲۱ چاپ و منتشر کرده است، کبریت هم نایاب و گران می شود، آن هم تحت تأثیر یک شایعه که برخاسته از ذهن حیلہ گر چند دکان دار بوده است. این جریده در بخشی از خبر خود، می نویسد: «یک عده از اشخاص متفرقه در بازار و خیابان شهر، راه افتاده، با مراجعه به پیشه وران تحت عنوان خرید کبریت، شایعاتی دادند مبنی بر اینکه کبریت قرار است گران شود و با این حیلت، موجب ترقی بهای کبریت را فراهم نموده و آناکبریت دانه ای یک ریال یافت نمی شد. بلافاصله چند نفر مأمور بر حسب دستور آقای شهردار، دکانکین پیشه وران و محل های مربوطه را که از فروش کبریت به تصور ترقی بیشتری خودداری می نمودند و اشخاصی که به منظور استفاده شخصی با حقه بازی، موجب ترقی بهای کبریت شده بودند را تحت بازجویی قرار داده اند. در نتیجه پرونده [ای] تحت عنوان گران فروشی و احتکار، تنظیم [و] برای تعقیب قانونی به دادگاه و دادسرا احاله و د طرف دو ساعت، وضعیت بازار و شهر، ساکت [شد] و کبریت به بهای اولیه برگشت و رفع نگرانی عمومی فراهم شد. واقعا خیلی مضحک است، کبریت که محصول ایران است را از ۳ شاهی، رسما تا ۱۰ شاهی می فروختند. کم مانده بود که با یک ریال هم گیر نیاید.»



شهریار

۳شنبه
۲۸ فروردین ۱۴۰۳
۷ شوال ۱۴۴۵
شماره ۲۲۲

۱۵



تاریخ و هویت